



نوسانات نرخ ارز و نااطمینانی در انتخاب استراتژی بهینه

هادی احمدپور

مقابل ارزهای دیگر شد. از این رو بانک مرکزی رابطه ثابت ریال بادلار را به این ترتیب اعلام کرد که ارزش ریال بر مبنای حق برداشت مخصوص بانرخی برابر ۸۲/۲۴۲۵ ریال تعیین شد و تا ۲/۲۵ درصد از هر دو طرف مجاز به نوسان بود. اما به علت تجاوز مکرر نرخ برابری ریال به دلار و در نتیجه شدت نوسانات ارزی، مسئولان تمایلی به تغییر نرخ نشان ندادند، به این ترتیب در عمل نرخ برابری دلار به ریال بدون توجه به نوسانات این ارز و وابستگی ریال ایران به حق برداشت مخصوص در سطح ثابتی باقی ماند. (شهاب، محمد رضا (۱۳۷۵))

سال ۱۳۵۸:

به دنبال گروگانگیری جاسوسان آمریکایی مستقر در سفارت سابق (لانه جاسوسی) آمریکا و متعاقب آن بلوکه شدن ذخایر ارزی کشور در شعب خارجی بانک های آمریکایی و کلیه بانک های مستقر در آمریکا، سیاست های ارزی جدید از جمله محدود شدن معاملات دلاری و خودداری از فروش دلار به بانکهای کشور اتخاذ شد. به این ترتیب زمینه تغییر نظام نرخ ارز کشور برای قطع وابستگی ریال به دلار فراهم شد.

سالهای ۱۳۵۹ الی ۱۳۷۰:

از نیمه دوم سال ۱۳۵۹، به منظور تشویق صادرات کالاهای

اشاره:

نرخ ارز به عنوان یکی از عوامل کلان اقتصادی، همواره مورد توجه جامعه اقتصادی و مالی بوده است. در واقع این نرخ بیانگر شرایط اقتصادی کشور بوده و عاملی برای مقایسه اقتصاد ملی با اقتصاد سایر ملل است.

از این رو انتخاب سیاست های ارزی با توجه به شرایط اقتصادی، به گونه ای که منجر به استقرار سیستم مناسب نرخ ارز شود نه تنهایی تواند راهی در سمت گیری رشد و توسعه باشد، بلکه به نوبه خود بر عوامل کلان دیگر نیز اثر گذار خواهد بود. با توجه به گستردگی این عوامل از یک سو و نقش عمده نرخ ارز در رشد و توسعه اقتصادی از طرف دیگر، بر آن شدیم به بررسی علل ایجاد نوسانات ارزی و آثار این نوسانات بر اقتصاد ایران و جهان و در نهایت پیشنهاد برای انتخاب استراتژی بهینه بپردازیم.

مروری بر سیاستهای ارزی در ایران

قبل از انقلاب اسلامی به دلیل وابسته بودن ریال به دلار، نوسانات ارزش خارجی ریال تابع تغییرات ارزش دلار در بازار جهانی بود. به دنبال سیستم شناور ارزی این وابستگی باعث نوسانات شدید ریال در

و همچنین فاصله قابل توجهی که میان نرخ شناور ارز و نرخ ارز در بازار آزاد ایجاد شده بود، سیاست های محدود کننده ارزی به اجرا در آمد. به این ترتیب با اعلام سیاست های جدید ارزی مبنی بر اعلام قاچاق بودن خرید و فروش ارز خارج از سیستم بانکی، نوسانات نرخ ارز در بازار آزاد متوقف شد.

سال ۱۳۷۵:

در این سال مهم ترین سیاست ارزی، تثبیت نرخ های شناور و صادراتی ارز بود. از دیگر سیاست های ارزی سال ۱۳۷۵، اتخاذ سیاست های ارزی تشویق صادرات و درعین حال سیاست های واردات کالاهای اساسی و ... بوده است.

سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷:

در طی این دو سال نظام ارزی کشور تغییر عمده ای نداشت و کماکان مبتنی بر دو نرخ رسمی پایه و صادراتی بود. براساس مقرراتی که در سال ۱۳۷۷ به تصویب رسید، نرخ واریز نامه، در پاره ای موارد جایگزین نرخ صادراتی شد.

سال ۱۳۷۸:

اهداف عمده سیاست های ارزی اتخاذ شده در این سال، کنترل دامنه نوسانات نرخ ارز از طریق هدایت مبادلات ارزی و بازرگانی خارجی به سیستم بانکی، و نیز ارزی کشور از طریق تداوم بازار تجاری و ایفای تعهدات سررسید شده کشور بود.

سال ۱۳۷۹:

به دنبال حذف نرخ ارز صادراتی از سیستم ارزی کشور، نرخ گواهی سپرده ارزی و نرخ توافقی در کنار نرخ شناور مبنای محاسبه مبادلات ارزی کشور قرار گرفت.

سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳:

اصلاح سیاست های ارزی و تجاری کشور با هدف تسهیل تجارت و مقررات زدایی از بخش خارجی اقتصاد ادامه یافت. در این سال ها با اتکا به ذخایر مناسب ارزی، اندوخته حساب ذخیره ارزی و بستر سازی های مناسب در سال های قبل، یکسان سازی نرخ ارز با موفقیت اجرا و نظام ارزی کشور شناور مدیریت شده اعلام شد.

نرخ های ارز و تورم

یکی از مباحث عمده اقتصاد، اثر نوسانات مختلف ارز بر شاخص قیمت ها و تورم در سطوح کلان است. با توجه به این که قیمت های داخلی سعی در تعدیل بانرخ ارز دارند، این مسئله که آیا نوسانات نرخ ارز در کشور مان تورم زا است یا خیر، مطرح می شود. نوسانات غیر عادی نرخ ارز باعث کاهش نسبی قدرت خرید در قیاس با موازنه های

غیر نفتی کشور، سیستم دو نرخ توسط بانک مرکزی به اجرا گذاشته شد. این سال ها به علت وقوع جنگ تحمیلی و مشکلات صدور نفت و در نتیجه کمبود منابع ارزی اقداماتی برای صرفه جویی هر چه بیشتر در مصرف منابع ارزی کشور به عمل آمد.

با این وجود، نظام چند نرخ ارز با خود تبعاتی به همراه داشت. از جمله این تبعات، دلاری شدن اقتصاد بود. توضیح اینکه دلاری شدن اقتصاد به حالتی گفته می شود که دلار یا هر ارز دیگری جایگزین پول ملی می شود و در نتیجه اقتصاد جامعه تحت تاثیر نوسانات ارزی قرار می گیرد و تقاضای مصنوعی برای ارز، موجبات تورم شدید در جامعه را فراهم می کند.

در این سال ها، نظام چند نرخ باعث ایجاد مصرف کاذب ارز برای استفاده از تفاوت قیمت نرخ ارز واقعی شد و این مسئله موجب شد موسساتی که به ارز بانرخ پایین تر دسترسی داشتند، آن را جایگزین ریال در معاملات کنند تا از این تفاوت نرخ منتفع شوند. نتیجه چیزی جز گام نهادن در مسیر دلاری شدن اقتصاد نبود.

از تبعات دیگر این نظام، فراهم شدن ایجاد زمینه های مناسب برای ظهور رانت اقتصادی توسط تصاحب کنندگان ارز با نرخ کمتر بود.

در نتیجه برای جلوگیری از این آثار سوء راهی جز یکسان سازی نرخ ارز وجود نداشت.

سال ۱۳۷۱:

در فروردین ماه ۱۳۷۱ سیاست جدید تک نرخ ارز از طرف بانک مرکزی اعلام و اتخاذ شد. در این خصوص تنها یک نرخ برای ارز های مختلف اعلام شد، اما در استحکام این سیاست تردید وجود داشت و بسیاری از صاحب نظران معتقد بودند که تک نرخ شدن ارز به تشدید تورم منجر می شود.

سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳:

در این سالها بازار های غیر رسمی ارز تحت نوسانات بسیار شدیدی بود. به طوری که در مقاطعی بانک مرکزی را وادار کرد نرخ شناور ارز را به میزان قابل توجهی افزایش دهد. در سال ۱۳۷۳ باتوجه به نوسانات نرخ ارز در بازار آزاد، نرخ دیگری تحت عنوان "نرخ صادراتی" از سوی بانک مرکزی با اختلاف ۵ ریال کمتر از نرخ بازار اعلام شد. در این سال به علت فشارهای ناشی از عوامل برون زا، فاصله بین نرخ های اعلام شده و نرخ بازار آزاد افزایش یافت.

سال ۱۳۷۴:

در ابتدای سال ۱۳۷۴ به علت نوسانات شدید نرخ ارز در بازار آزاد

بین‌المللی است. این امکان وجود دارد که بین نرخ ارز و تورم یک دایره عللی و معلولی وجود داشته باشد. یعنی با بالا رفتن نرخ ارز و قیمت کالاهای وارداتی، تورم ایجاد و خود این تورم موجب افزایش دوباره در نرخ ارز شود. بنابراین به علت ترس از اثرگذاری نرخ ارز بر تورم، تمایل عمومی در جهت ثابت نگه داشتن این نرخ است. در واقع اهمیت نرخ ارز به علت نسبی بودن آن، به عنوان قیمت است؛ یعنی نرخ ارز، قیمت نسبی پول خارجی به پول داخلی است. بنابراین افزایش آن موجب ارزان شدن کالا های وارداتی و گرانی کالاهای صادراتی می شود و بالعکس.

نکته مهم این که طرفداران سیستم نرخ ارز ثابت همواره ادعا داشتند که این سیستم در مقایسه با سیستم نرخ شناور دامنه نوسانات ارزی را محدود می کند و با کنترل شدت تورم، بستری مناسب برای تولید و سرمایه گذاری فراهم خواهد کرد. آنها اظهار کردند که نوسانات شدید نرخ ارز موجب می شود صادرکنندگان باتوجه به میزان ریسک پذیری، یا دست از فعالیت و معامله برداشته یا اینکه به ازای پذیرش ریسک بیشتر، بازه و سود بیشتری مطالبه کنند. از طرفی، چون عرضه و تقاضای یک کشور، بخشی از عرضه و تقاضای کل است و کشور مذکور قدرت تعیین قیمت های جهانی را ندارد، افزایش سود درخواستی صادرکنندگان و واردکنندگان را از طریق فروش گرانتر

به خریداران جبران می کند و نتیجه چیزی جز افزایش قیمت و تورم نخواهد بود. بنابراین نوسانات نرخ ارز باعث کاهش تولید داخلی و افزایش قیمت و در نتیجه تورم می شود که بر اساس اظهارات طرفداران سیستم نرخ ارز ثابت، نرخ ارز شناور به این مسئله دامن می زند.

تورم و نظام های نرخ ارز

تأثیر اتخاذ سیستم شناور و نرخ ارز بر تورم، تاحدی به سیاست های پولی بستگی دارد. چون این سیاست ها نقش مهمی در تغییر نرخ ارز دارند. از این رو کشورهای در حال توسعه، اغلب با شناور کردن نرخ ارز به دنبال حذف کنترل های قیمتی و تعدیل آن هستند. با این وجود، انتخاب نرخ شناور، به افزایش قیمت ها منجر خواهد شد.

بر پایه بررسی های به عمل آمده از یک نمونه وسیع کشورهای بزرگ، نتیجه گرفته شد که در کشورهای با سیاست نرخ ارز ثابت

تمایل به اجرای سیاست های توسعه وجود دارد. در کشورهای در حال توسعه، عوامل داخلی و خارجی بر نرخ تورم تأثیر می گذارند. باتوجه به آزمون های انجام شده با استفاده از داده های ایرانی، دریافته اند که نرخ ارز بالا منجر به قیمت بالای کالاها خواهد شد و در نهایت انتخاب سیاست مالی در مبارزه با تورم اثر بسیار مهمی دارد. در ایران عامل اصلی اثر گذار بر تورم، عوامل داخلی است (در بلند مدت). نرخ ارز یکی از این عوامل داخلی است. به این صورت که افزایش عرضه ارز و به دنبال آن کاهش ارزش آن، موجب بالا رفتن تقاضای داخلی و در نهایت بالا رفتن تورم خواهد شد.

از طرفی رژیم های ارزی مناسب که منجر به قوی تر شدن ارز می شود، بر کاهش تورم تأثیر می گذارد.

پیامدهای کاهش نرخ ارز

در اثر کاهش قیمت دلار در برابر ریال، واردات با تشویق و صادرات با محدودیت جدی مواجه می شود و همچنین بازار طلای داخل شاهد کاهش قیمت خواهد بود.

در اثر کاهش قیمت دلار، قیمت کالاهای وارداتی کاهش پیدا می کند و در نتیجه کالا به قیمت ارزان وارد کشور می شود و تولید کالا در داخل به صرفه نخواهد بود و تولیدکننده داخلی نمی تواند رقابت کند.

با وابستگی تولید به واردات کالاهای واسطه ای و مواد اولیه مانند

تولید قطعات خودرو، خودروسازی و انواع صنایع جانبی هزینه های تولید در مجموع کاهش می یابد، اما از سوی دیگر سیل واردات کالاهای مشابه از چین، امارات و سایر کشورها باعث می شود تولیدات داخلی با فضای رقابتی بیشتر مواجه شوند و بسیاری از صنایع مانند صنایع نساجی، کیف، کفش و پوشاک با رکود، اخراج نیروی کار و کاهش تولید بیشتر مواجه شوند

کاهش واقعی نرخ دلار در شرایط تداوم تورم و ثبات نرخ اسمی، میزان واردات را از ۱۵ میلیارد دلار به ۵۲ میلیارد دلار در شش سال اخیر افزایش داده و به همین میزان فشار بر تولید داخلی، بیکاری و رکود صنایع تشدید شده است. (ایران اکونومیست، ۸۷).

در سطح کلان اقتصادی نیز موضوع تأمین هزینه های بودجه دولت از طریق تبدیل دلار به ریال، رشد پایه پولی و نقدینگی و اثر آن بر تورم

نرخ ارز یکی از این عوامل داخلی است. به این صورت که افزایش عرضه ارز و به دنبال آن کاهش ارزش آن، موجب بالا رفتن تقاضای داخلی و در نهایت بالا رفتن تورم خواهد شد

پژوهنده ویژه

افزایش تقاضای کاذب و هجوم مشتریان به بازارهای سکه و طلا خواهد شد و در ادامه شاهد افزایش بهای طلا خواهیم بود. ماجدی هدف فعالان بازار از خرید سکه و طلا در این شرایط را دستیابی به سود بیان می‌کند و در این خصوص می‌گوید: «متقاضیان به محض اطلاع از آغاز روند کاهش بهای طلا برای به دست آوردن سود، اقدام به خرید ارزان قیمت طلا در داخل و فروش آن در بازارهای خارج از کشور می‌کنند که غالباً موجب دستیابی برخی به چنین رانت‌های بزرگی می‌شود.»

به عقیده صاحب‌نظران اقتصادی، بهای داخل طلا، به جز تغییرات ارز در بازار از عوامل دیگری مانند نوسانات بهای جهانی نفت، نرخ تورم داخلی و رویدادهای سیاسی کشور هم‌تأثیر می‌گیرد. با فرض اینکه بهای نفت در همین سطح باقی‌بماند، تورم داخلی همچنان به روند صعودی خود ادامه می‌دهد و اگر ریسک سیاسی کشور نیز با ثبات همراه شود، برخلاف تصور همگان، بهای طلا و سکه در ایران در پی کاهش ارزش دلار، افزایش خواهد یافت.

علاوه بر این، نوسانات ارز امکان برنامه‌ریزی را از این واحدها سلب می‌کند و در اکثر موارد باعث بالا رفتن هزینه تولید و در نتیجه پایین آمدن توان رقابتی آنها می‌شود.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در بررسی‌هایی که در خصوص تأثیر نوسانات نرخ ارز بر قیمت کالاهای وارداتی به عمل آورد، به این نتیجه رسید که نوسانات قیمت ارز زمانی که روند قیمت ارز صعودی باشد، نقش شدیدتری بر افزایش قیمت کالاها و خدمات دارد. البته این اثر ممکن است یا یک یا دو دوره تأخیر نمایان شود.

در هر حال نوسانات گسترده و وسیع نرخ ارز می‌تواند نتایج مثبت و منفی در پی داشته باشد که یکی از این عواقب می‌تواند تورم‌های بسیار شدید و لجام‌گسیخته باشد و این موضوع نیز خود پیامدهای گسترده دیگری در اقتصاد خواهد داشت. تغییر بافت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری، تغییر وضعیت بازارهای داخلی و خارجی، تحت تأثیر قرار گرفتن بخش تجارت خارجی (صادرات و واردات) همه می‌توانند از این عواقب بی‌شمار باشند. از طرف دیگر به دلیل وجود ارتباط ساختاری بین متغیرهای کلان اقتصادی تغییرات نرخ ارز می‌تواند از طرق مختلف سطح قیمت‌ها، تولید و صادرات را متأثر سازد.

در خصوص تأثیر حاصل از تغییرات نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی باید گفت؛ با توجه به این که تولید و سطح قیمت‌ها نیز بر سطح صادرات غیر نفتی مؤثر است، بررسی اثر تغییر نرخ ارز بر سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) و سطح تولید کل نیز ضروری است.

موردتوجه قرار گرفته و دولت برای آنکه بتواند بودجه عمومی ۹۳ هزار میلیارد تومانی خود را در سال ۸۷ و در سال‌های آینده از طریق تبدیل دلار به ریال تأمین کند، باید به میزان بیشتری دلار به بانک مرکزی بفروشد تا ریال موردنیاز را تأمین کند این موضوع باعث می‌شود که فشار برای افزایش واردات و کاهش تعرفه‌ها بیشتر شود. بانک مرکزی نیز برای فروش دلار در بازار با نرخ پایین‌تر با محدودیت روبه‌روست و این امر باعث می‌شود که دارایی‌های خارجی بانک مرکزی در ترازنامه بانک مرکزی بیشتر شود و رشد پایه پولی و نقدینگی در شرایط کاهش تقاضای نسبی برای دلارهای نفتی موضوعی است که در عمل به تورم داخلی دامن خواهد زد و پول تزریق شده بانک مرکزی که در مقابل دلار به صورت رسمی تقویت شده، می‌تواند موجب تورم بیشتری شود. میزان درآمد گردشگری و استفاده از خدمات ایرانی مانند صادرات کشور کمتر خواهد شد و ایرانیان خارج از کشور و جهانگردان سفر به ایران را با هزینه بالاتری برآورد خواهند کرد. در شرایط تشدید عدم تعادل بین صادرات غیرنفتی با واردات کشور - وضعیت تراز تجاری - حساب سرمایه با کسری بیشتری مواجه می‌شود و انتقال تکنولوژی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز با صرفه کمتری ارزیابی خواهد شد. به عنوان مثال، سرمایه‌گذار خارجی برای ایجاد کارخانه باید پول بیشتری برای خرید زمین، ساختمان، نیروی انسانی و ... بپردازد. حال آنکه در شرایط فعلی که کمبود ارز در کشور نداریم اما کمبود در انتقال تکنولوژی و سرمایه‌گذاری خارجی را احساس می‌کنیم، باید با افزایش قیمت دلار در مقابل ریال سرمایه‌گذاران خارجی را تشویق به سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی کنیم.

علی‌ماجدی کارشناس اقتصادی با بیان اینکه کاهش نرخ دلار در مقابل ریال، صادرات کشور را کاهش می‌دهد، می‌گوید: «امکان رقابت در خارج برای صادرکننده از دست می‌رود، چرا که صادرات با محدودیت جدی مواجه می‌شود و صادرکننده با دلار ارزان قادر به تأمین هزینه‌های ریالی خود نخواهد بود. در اثر این طرح، بازار از کالاهای ارزان وارداتی و واسطه‌ای اشباع می‌شود و تولید کالاهای ایرانی دیگر مقرون به صرفه نیست و تولید به طور جدی از بین می‌رود.»

قیمت طلا کاهش می‌یابد

کاهش ارزش دلار و طلا اگر مبتنی بر واقعیت‌های بازار باشد، اشکالی ایجاد نمی‌کند، اما اگر دولت بخواهد به صورت دستوری قیمت دلار را کاهش دهد، می‌توان چنین پیش‌بینی کرد و نتیجه گرفت که قیمت طلا نیز به صورت دستوری کاهش خواهد یافت. «کاهش بهای طلا منجر به افزایش تقاضا می‌شود، این مساله منجر به

از این رو افزایش نرخ ارز منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود و از طریق این متغیر صادرات غیر نفتی کاهش می‌یابد و این از اثرات غیرمستقیم افزایش نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی است که متاسفانه در برخی از تحلیل‌ها نادیده گرفته می‌شود.

از طرف دیگر، با توجه به این که در سال‌های اخیر سهم بالایی از واردات کشور را واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دهد، در طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۳ بیش از ۷۸ درصد واردات کشور را واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دهد، افزایش نرخ ارز موجب گران شدن این کالاها برای اقتصاد داخلی شده و این امر در نهایت منجر به کاهش توان تولید یا افزایش هزینه‌های تولید داخلی می‌شود و می‌تواند سطح عمومی قیمت‌های داخلی را افزایش دهد و صادرات این کالاها را با مشکل روبه‌رو کند.

این مسأله نیز از دیگر اثرات منفی غیرمستقیم افزایش نرخ ارز بر

صادرات غیر نفتی است. برخی از

سیاست‌گذاران اقتصادی کشور با

استناد به روند صادرات غیر نفتی در

چند سال اخیر و بعد از سال ۱۳۸۱ که

یکسکان سازی نرخ ارز اتفاق افتاد، تاکید

دارند افزایش نرخ ارز منجر به افزایش

صادرات غیر نفتی شده است. اما با

نگاهی به ترکیب صادرات غیر نفتی

در سال‌های یاد شده می‌توان پی برد

که در چند سال اخیر ۳ تا ۵ میلیارد

دلار از صادرات غیر نفتی را صادرات

محصولات پتروشیمی تشکیل داده است که تولید این کالاها اساساً

وابستگی چندانی به نرخ ارز ندارند.

نتایج مطالعات در ارتباط با این موضوع در اقتصاد ایران حاکی

از آن است که مجموع اثرات غیرمستقیم از اثرات مستقیم بیشتر

بوده و افزایش نرخ ارز در اقتصاد ایران سیاست مناسبی برای بالا

بردن سطح صادرات غیرنفتی نیست. لذا بهتر است قبل از

تصمیم‌گیری در مورد نرخ ارز و تغییرات آن، ترکیب کالاهای

صادراتی و وارداتی، کشش آنها، شاخص قیمت کالاهای داخلی و

کشورهای خارجی طرف مقابل، اثرات این تغییرات بر سایر

متغیرهای کلان و اثرات متقابل آنها بر همدیگر مورد بررسی قرار

گیرد (توتونچی، ۸۶)

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا واحدهای

صادرات نفتی به عنوان بخش زیادی از صادرات اقتصاد کشور

مستقل از تغییرات نرخ ارز است. اما صادرات غیر نفتی با تاثیر پذیری

از تغییرات نرخ ارز و برخی متغیرهای کلان دیگر نوسانات و تغییرات

را تجربه کرده است. لذا تعیین سطح نرخ اسمی ارز و نحوه تاثیر گذاری

آن بر متغیرهای کلان اقتصادی همچون صادرات غیر نفتی، تولید و

تورم در کشور ما همواره مورد اختلاف نظر سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران

اقتصادی بوده و یکی از مهمترین چالش‌های موجود در عرصه

سیاست‌گذاری اقتصاد کشور محسوب می‌شود. با توجه به مبانی نظری

موجود در اقتصاد کلان، نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی و تورم تاثیر

مستقیم و مثبت و بر تولید کل تاثیر منفی دارد. یعنی صادرات غیرنفتی

و تورم به طور مستقیم با افزایش نرخ ارز افزایش می‌یابد و افزایش نرخ

ارز تولید کل را مقید می‌کند. (کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای که

تقریباً ۸۵ درصد واردات کشور ما را تشکیل می‌دهند وابسته بودن

اقتصاد تولید به واردات را بیان می‌کند.)

بر اساس نظریه‌های اقتصادی،

صادرات غیر نفتی علاوه بر نرخ ارز،

تابعی مستقیم از سطح تولید کل و تابع

معکوسی از سطح عمومی قیمت‌ها

است. (البته متغیرهای دیگری غیر از

پارامترهای اشاره شده بر صادرات

غیرنفتی مؤثرند که اشاره به آنها در

مجال تحلیل نیست.) لذا تغییرات نرخ

ارز اثرات مستقیم و غیر مستقیم بر

صادرات غیر نفتی خواهد داشت.

مطالعات اقتصادسنجی در راستای تئوری‌های اقتصادی نشان داده

است که افزایش نرخ ارز به طور مستقیم موجب افزایش صادرات غیر

نفتی می‌شود. اما با توجه به ویژگی‌های اقتصاد کشور ما تاثیر غیرمستقیم

این افزایش بر صادرات غیرنفتی در جهت کاهش صادرات غیرنفتی

بوده است. این نتایج با نظریه‌های اقتصادی سازگار است. مثلاً افزایش

نرخ ارز منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شده و قدرت رقابت

کالاهای تولید داخل را در بازارهای بین‌المللی کاهش می‌دهد. این در

حالی است که تورم در کشورهای طرف تجاری ایران که عمده مبادلات

تجاری را با این کشورها داریم، تقریباً مقداری ناچیز و ثابت است.

امارات متحده عربی، عراق، هندوستان، چین، ژاپن، آذربایجان، آلمان،

ایتالیا، اسپانیا و انگلستان و اکثر کشورهای عضو OECD در چند

سال اخیر با سهم بالایی طرف‌های تجاری ایران محسوب می‌شوند.



در شرایط فعلی که کمبود ارز در کشور نداریم اما کمبود در انتقال تکنولوژی و سرمایه‌گذاری خارجی را احساس می‌کنیم، باید با افزایش قیمت دلار در مقابل ریال سرمایه‌گذاران خارجی را تشویق به سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی کنیم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تولیدی در ایران توان رقابت در بازارهای جهانی و کسب سهم در این بازارها را دارند؟" پاسخ به این سؤال و بررسی دلایل این پاسخ در مباحث مربوط به صادرات غیر نفتی در درجه اول اهمیت قرار دارد.

سیاست تغییر نرخ ارز یکی از سیاست‌هایی است که موجب تغییر در رقابت پذیری واحدهای تولیدی می‌شود. اما در واقع برای موفقیت در صادرات غیر نفتی عوامل بسیار مهمتری وجود دارد که به نظر می‌رسد در مباحث سیاستگذاری در سال‌های اخیر مغفول مانده است.

نتیجه گیری

در ایران، چون عرضه ارز در انحصار دولت و بانک مرکزی است، به ناچار قیمت ارز بر اساس عرضه و تقاضا تعیین نمی‌شود. افزایش درآمد نفت، درآمدهای ارزی دولت را افزایش می‌دهد، اما دلارهای حاصل از صادرات نفتی که ۷۵ درصد منبع صادرات را در بر می‌گیرد، از داخل اقتصاد سرچشمه نمی‌گیرد. از این رو قیمت ارز نشانه‌ای از توان واقعی اقتصاد ایران نیست و مجموعه‌ای از قیمت‌های مصنوعی ارز به اقتصاد ایران تحمیل می‌شود که در نهایت باعث افزایش نرخ ارز کشور خواهد شد. زیرا عدم موفقیت در صادرات غیر نفتی و آشنا نبودن صادرکنندگان با ظرفیت‌های بازرگانی موجب کاهش عرضه ارز و در نتیجه افزایش قیمت آن خواهد شد.

سیاست نرخ ارز شناور مدیریت شده، طی چند سال اخیر با مشکلاتی همراه بوده است. نفت، صادرات رابرای اقتصاد ایران به ارمغان می‌آورد، این در حالی است که زمینه واردات ارزان ایجاد و در نتیجه رقابت بین شرکت‌های داخلی کم می‌شود. در نهایت در ایران، دولت به عنوان عرضه کننده انحصاری ارز می‌تواند به صورت دستوری نرخ برابری ارز را تعیین کند، اما آنچه به صورت واقعی نرخ برابری ریال را تعیین می‌کند، عملکرد واقعی متغیرهای کلان اقتصادی است.

به طور کلی، تثبیت نرخ ارز در شرایطی که تورم داخلی پایین است، می‌تواند از طریق ایجاد ثبات اقتصادی به رشد فعالیت‌های اقتصادی کمک کند.

در چنین شرایطی، اگرچه تورم داخلی ممکن است کاهش یابد یا از افزایش بیشتر آن جلوگیری شود، ولی باید توجه داشت اثرات این سیاست در بخش خارجی اقتصاد به هر حال قابل تامل خواهد بود. به همین علت در صورتی که تورم داخلی کمتر یا مساوی تورم کشورهای طرف تجاری ایران باشد، می‌تواند صحیح باشد، ولی در شرایط فعلی

که نرخ تورم در کشور ما حدود ۱۰ درصد از تورم کشورهای طرف تجاری بیشتر است، ثبات نرخ ارز به مفهوم این است که کالاهای تولیدی کشور سالانه حدود ۱۰ درصد از کالاهای خارجی گرانتر می‌شود. نتیجه اینکه توان رقابتی «کالاهای صادراتی کشور در بازارهای جهانی» و «کالاهای تولید داخل در مقابل کالاهای وارداتی» تضعیف می‌شود. اگرچه در سال‌های اخیر صادرات کشور از ثبات نرخ ارز صدمه چندانی ندیده است (لااقل بر اساس آمارهای رسمی) ولی گسترش فزاینده واردات موضوعی است که دلیل اصلی آن را باید به این سیاست نسبت داد.

به هر حال با توجه به اینکه نرخ ارز و نرخ تورم هر دو در بلندمدت تحت تأثیر "حجم نقدینگی" هستند، سیاست مناسب این است که دولت با کنترل نقدینگی نرخ تورم را پایین نگه دارد و در آن صورت اساساً نیازی به استفاده از تثبیت نرخ ارز برای مهار تورم نبوده و تبعات منفی ناشی از آن نیز حادث نخواهد شد.

منابع فارسی :

- ۱- ربیع زاده، محمد (تابستان ۱۳۸۵). "ارز و تورم". مجله بانک و اقتصاد. شماره ۱۱۰۰۰۰.
- ۲- تقوی، مهدی؛ محمد زاده، امید (۱۳۸۱). "واکنش بازار سرمایه نسبت به متغیرهای کلان اقتصادی". فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی. شماره ۷.
- ۳- تقوی، مهدی؛ بیابانی، شاکر (۱۳۸۲). "اثرات تغییر نرخ ارز بازار آزاد و جریان نقد آتی بر ارزش سهام شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی. شماره ۱۰ و ۱۱.
- ۴- شهاب، محمد رضا (۱۳۷۵). "نرخ ارز و تورم - یک تحلیل تجربی در مورد ایران". پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس - دانشکده علوم اقتصادی.
- ۵- امیر رحیمی، حسین. "اثر تورم بر بازده واقعی سهام بورس تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس - دانشکده علوم اقتصادی.
- ۶- دکتر عادل، سید محمد حسین (۱۳۷۱). "نرخ ارز و اصطلاحات اقتصادی". موسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- ۷- Peter؛ Vibe، Quirt. "Benedicts". نرخ ارز شناور در کشورهای در حال توسعه". ترجمه موسسه تحقیقات پولی و بانکی (۱۳۷۳).
- ۸- فروعی، علی. "ارزش پول ملی". هیات تحریریه بانک و

منابع

A.P LERNER ,1949,THE INFLATIONARY PROCESS,REVIEW OF ECONOMICS AND [3] STATISTICS .P.P-193
 [4] F.W.PAISH.1969,RISE AND FALLOF INCOMSPOLICY,INSTITUTE OF ECONOMICS,P20
 [5] R.TURVEY.1951,THEORY OF INFLATION HN A CLOSED ECONOMY,ECONOMICS JOURNAL PP.5-531
 [6] CHARLES R.NELSON ,JEFREY F.JAFFE ,MARTIN FELSTIN

مسکن . شماره . ۳۹

۹- بهکیش ، محمد مهدی . ” بازگشت به منطق اقتصادی ” .
 ۱۰- روشن ، محمد (۱۳۸۵) . ” ارز و کاربرد آن در بازار پول ” .
 بانک . شماره . ۶۶
 ۱۱- ” ویژگیهای نظامهای ارزی رویکرد سنتی و جدید ” . (۱۳۸۴) پژوهشنامه اقتصادی . شماره . ۱
 ۱۲- بلوریان تهرانی ، محمد . ” گفتاری به زبان ساده درباره ارز ” .
 ماهنامه بررسیهای بازرگانی . شماره . ۳۹
 ۱۳- ترازنامه بانک مرکزی از سالهای ۱۳۵۸ الی ۱۳۸۳
 14- Bijan B. , Agherli °khan , Mhsin S. °Montiel ; Peter J
 سیاست نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه ” . ترجمه موسسه
 تحقیقات پولی و بانکی (۱۳۷۰) .
 ۱۵- بهروز هادی زنوز

منابع انگلیسی :

1. A.P.Lerner(1949) ,”The inflationary process” . Re-
 view of Economics & Statistics,p.193.
 2. F.W.Paish(1969) ,”Rise & fall of incomes policy” .Jn 8
 titute of Economics Affairs,p.20.
 3. N.Turvey(1951) ,”Theory of inflation in a closed
 Economy” .Economics jn. p.p,5-53.
 4. Charles N.Nelson
 5. Amirlcia (2006) .” Deficits,debt financily,monetary
 policy & inflation indveloping countries: internal or ex-
 ternal factors?” . journal of Asian economics
 .vol.17 .pp.879-903 .
 6. Virginie cudert ,Marc Dubert (2005) .”Does exchange
 rate regime explain differences in economic results for
 Asian countries?” . Journal of Asian
 economics.vol.16 .pp.874-995 .
 7. Christian Broda (2005) .” Exchange rate regimes &
 national price levels ” . journal of International
 econmics.vol.70 .pp.52-87 .
 8. www.wiki pedia floating exchange rate .com
 9. www.wiki pedia the fixed exchange rate .com.

[۱] موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی ، ت ۱۳۶۷ ، آشنایی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی، ج. ۱۰. تهران انتشارات وزارت بازرگانی ، صفحه یک
 [۲] موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی ، ز ۱۳۶۸ ، آشنایی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی، ج ۲۲ ، تهران انتشارات وزارت بازرگانی ، صفحه ۱۵۶

